

حقوق بشر و مواجهه با نسل‌کشی در میانمار

راحله سادات موسوی اجاق^۱

چکیده

میانمار یکی از متنوع‌ترین کشورهای آسیایی از نظر نژادی، قومی و مذهبی است که این تفاوت‌ها در عمل، سبب وقوع بحران‌های مختلف در این کشور شده است. اعمال خشونت علیه یک گروه برای حذف گروه دیگر در این کشور که با ناکارآمدی دولت همراه بود، باعث ایجاد موجی از مخالفت‌ها با حضور مسلمانان در این کشور، با هدف پاک‌سازی مذهبی و جلوگیری از گسترش اسلام شد. گسترش این خصومت در نتیجه، سبب وضع محدودیت‌ها و اقداماتی از قبیل عدم دسترسی مسلمانان به حقوق شهروندی و نیازهای اولیه زیستی، بیرون راندن آنان از خانه‌هایشان، جلوگیری از ازدواج و زادوولد آنان، آتش زدن خانه‌ها، مثله کردن مردان، شکنجه، آتش زدن اجساد، تجاوز به زنان در انظار عمومی و... شد که با توجه به اعلام سازمان ملل متحد در دسامبر ۱۹۴۸ مبنی بر به رسمیت شناخته شدن جرم نسل‌کشی به عنوان یک جرم بین‌المللی و تطبیق هر یک از جرایم صورت گرفته با بندهای (الف) تا (ه) ماده ۲ کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی، می‌توان این جنایات را به عنوان مصداقی از جرم نسل‌کشی برشمرد. با توجه به این‌که نسل‌کشی عملی ضد حقوق بشری است و مهم‌ترین حق بشری که همان حق حیات است را نقض می‌کند، در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی و توصیفی، ابتدا به بررسی کلیت و

۱. دکترای علوم سیاسی سیاست‌گذاری عمومی دانشگاه علوم و تحقیقات تهران

مفاهیم مرتبط با نسل‌کشی و سپس به صورت موردی، به بررسی موضوع میانمار می‌پردازیم و در ادامه، نحوه مواجهه حقوق بشر با این جنایت در این کشور را مورد تحلیل و واکاوی قرار می‌دهیم.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، میانمار، نسل‌کشی، کنوانسیون، جرم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



مقدمه

در سال ۱۹۸۲، قانون حقوق شهروندی جدیدی در میانمار به تصویب رسید که به واسطه آن، از میان ۱۴۴ اقلیت موجود در این کشور، به ۱۳۵ اقلیت، حق شهروندی اعطا شد و ۹ قوم دیگر از جمله قوم مسلمان روهینگیا با قریب به دومیلیون نفر جمعیت، از حقوق شهروندی محروم شدند. در واقع به مسلمانان روهینگیا اعلام شد که آن‌ها اصالتاً بنگالی هستند و باید به بنگلادش برگردند. بعد از تصویب این قانون، مسلمانان روهینگیایی از دیگر مزایای شهروندی مانند گرفتن اوراق هویتی از جمله شناسنامه و گذرنامه، استخدام در مراکز و سازمان‌های دولتی محروم شدند و به دنبال آن، کوچ اجباری مسلمانان روهینگیا با انواع فشارها از سوی دولت میانمار آغاز شد.

سازمان‌های به اصطلاح حامی حقوق بشر در گزارش‌های خود تأیید کرده‌اند که به دلیل عدم صدور کارت هویت برای مسلمانان روهینگیا، آن‌ها نمی‌توانند داخل کشور تردد داشته باشند و از مسافرت‌های خارجی نیز محروم هستند. اگر این مسلمانان بخواهند از یک روستا به روستای دیگری بروند، باید مبلغی را به عنوان مالیات به دولت بپردازند. تحصیل در دانشگاه‌ها برای آنان ممنوع است و حتی نمی‌توانند در ادارات دولتی استخدام شوند. ضمن این‌که مسلمانان روهینگیایی بدون کسب مجوز نمی‌توانند ازدواج کنند و برای گرفتن این مجوز نیز باید به دولت مالیات بدهند و پس از ازدواج نیز نمی‌توانند بیش از دو فرزند داشته باشند. مسلمانان روهینگیا اغلب برای بیگاری یا کار اجباری برده می‌شوند و از آن‌ها به زور اخاذی می‌شود و ارائه خدمات عمومی از جمله خدمات بهداشتی و آموزش و پرورش، از آنان دریغ می‌شود. میزان بی‌سوادی در میان آن‌ها حدود ۸۰ درصد است. این گروه حق مالکیت بر زمین و اجازه تعمیر و نوسازی مساجد یا مدارس خود بدون مجوز دولت را ندارند و اگر قصد دایر کردن فروشگاه‌هایی را داشته باشند، باید با یک بودایی شریک شوند و در حالی که فرد بودایی در این شراکت، هیچ سهمی نمی‌پردازد، اما از سود حاصل از فروشگاه، بهره‌مند می‌شود.

در سال‌های اخیر، دولت میانمار، سیاست کوچ اجباری مسلمانان روهینگیایی را از منطقه آرکان اتخاذ کرده و در نتیجه آن، قریب به ۱۵۰ هزار نفر از مسلمانان این منطقه، به بنگلادش، ۵۰ هزار نفر به تایلند، ۴۰ هزار نفر به مالزی و تعداد قابل توجهی نیز به دیگر کشورهای آسیایی مهاجرت کرده‌اند. بوداییان افراطی بیشترین درگیری را با مسلمانان میانمار دارند که مطمئناً این جنایت‌ها، با چراغ سبز دولت انجام می‌شود.



سکوت مجامع بین‌المللی حقوق بشری در مقابل نسل‌کشی مسلمانان مظلوم میانمار نیز یکی از علل تشویق دولت این کشور به ادامه جنایات علیه مسلمانان روهینگیا است. واقعیت این است که مجامع مدعی حمایت از حقوق بشر در سال ۲۰۱۷ و هم‌زمان با این اقدام دولت میانمار، هیچ اقدام سازنده و مؤثری برای رفع مصائب مردم مسلمان آن کشور انجام ندادند و سازمان همکاری اسلامی نیز تنها به صدور قطع‌نامه‌ای در این رابطه، اکتفا کرد.

این سکوت و عدم هرگونه واکنشی در برابر این اقدام دولت میانمار، در واقع بیانگر ماهیت و کارکرد اصلی نهادهای بین‌المللی است که به وضوح آشکار می‌سازد که مجامع فوق، به نمایندگی از دولت‌های غربی، صرفاً در راستای منافع دولت‌هایشان عمل می‌کنند.

اما رهبر معظم انقلاب در محکومیت این اقدام جنایت‌کارانه کشور میانمار و برخورد با مسلمانان این کشور، در ابتدای یکی از جلسات درس خارج فقه خود، به موضوع میانمار اشاره کرده و در مورد این فاجعه انسانی اظهار داشتند: «تقلیل فاجعه میانمار به یک درگیری مذهبی بین مسلمانان و بودایی‌ها، نادرست است. البته ممکن است در این حادثه، تعصب مذهبی تأثیر داشته باشد، اما این قضیه، یک موضوع سیاسی است، زیرا مجری آن دولت میانمار است و در رأس آن دولت نیز، زنی بی‌رحم قرار دارد که برنده جایزه صلح نوبل بوده و با این اتفاقات، در واقع، مرگ جایزه صلح نوبل رقم خورده است.» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۶)

بر این اساس و با توجه به این که نسل‌کشی عملی ضد حقوق بشری است که مهم‌ترین حق بشری که همان حق حیات است را نقض می‌کند؛ لذا در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی و توصیفی، ابتدا به بررسی کلیت و مفاهیم مرتبط با نسل‌کشی و سپس به صورت موردی، به تبیین موضوع میانمار پرداخته می‌شود و در ادامه به واکاوی نحوه مواجهه حقوق بشر با این جنایت می‌پردازیم.



چارچوب نظری (نسل کشی)

در اسناد بین‌المللی، در ارتباط با نسل‌کشی (ژنوسید)، تعریف واحدی دیده می‌شود. در این سندها، نسل‌کشی این‌گونه تعریف می‌شود که: «منظور از نسل‌کشی، هر یک از اعمال مشروحه زیر است که به قصد نابود کردن تمام یا قسمتی از گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی، انجام می‌شود:

الف) قتل اعضای یک گروه،

ب) ایراد صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی و روحی یک گروه،

ج) قراردادن عمدی یک گروه در معرض شرایط زندگی نامناسب که به زوال قوای جسمی تمام یا بخشی از آن گروه منتهی می‌شود،

د) تحمیل اقداماتی به‌منظور جلوگیری از تولد در گروه،

ه) انتقال اجباری کودکان از گروهی به گروه دیگر.»

در این خصوص، یافته‌های مربوط به مراحل نسل‌کشی که در پژوهش «دانیل فیبرشتاین» مشخص شده‌اند نیز در نوع خود جالب به‌نظر می‌رسند. روند نسل‌کشی از دید «فیبرشتاین» در جدول زیر، بیان شده است:

جزئیات	مراحل نسل‌کشی
انکار حقوق شهروندی (تابعیت)	ضرب و شتم
آزار و اذیت‌های جسمی و روحی، خشونت، بازداشت و دستگیری‌های خودسرانه و محرومیت از حقوق مدنی	آزار و اذیت، خشونت و ترور
تقسیم اجباری، جداسازی اجتماعی، جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و فضای ایدئولوژیک برای از میان بردن روابط پیشین با جامعه گسترده‌تر	انزوا و جداسازی
شامل راهبردهای (استراتژی‌های) تضعیف جسمانی گروه مورد هدف از طریق سوء‌تغذیه، بیماری‌های واگیردار، فقدان مراقبت‌های بهداشتی، شکنجه و قتل‌های مستمر، تخریب روانی از طریق تحقیر، تجاوز، خشونت مداوم و تضعیف همبستگی	تضعیف نظام‌مند (سیستماتیک)



جزئیات	مراحل نسل‌کشی
نابودی فیزیکی و سازمان‌یافته از طریق کشتار جمعی کسانی که بعدها ممکن است انواع خاصی از روابط اجتماعی را به وجود آورند.	نابودی
بازسازی جامعه به‌گونه‌ای که اثری از قربانیان نسل‌کشی، هم از جهت فیزیکی و هم از جهت نمادین وجود نداشته باشد.	کنش نمادین

بنا به تعریف کنوانسیون حقوق بشر، نسل‌کشی عبارت است از «نابودی فیزیکی جمعیتی که افراد آن عمدتاً به نحو غیرارادی و غالباً از طریق تولد، به آن تعلق دارند.» بر این اساس، ضابطه خاصی برای تعریف گروه‌های ملی، نژادی و مذهبی ارائه نشده است. (کاسه‌سه، ۱۳۸۸: ۱۱۶)

همچنین نسل‌کشی، فرایندی در نظر گرفته می‌شود که اغلب طی یک دوره زمانی و در طول سال‌ها و حتی دهه‌ها اتفاق می‌افتد. از این منظر، نسل‌کشی نه تنها به عمل نابودی فیزیکی اشاره دارد، بلکه آن‌گونه که «رافائل لمکین»، حقوق‌دان بین‌المللی لهستانی می‌گوید: «نسل‌کشی لزوماً به معنای نابودی فوری یک ملت نیست، بلکه چنین برنامه‌ای می‌تواند انحلال نهادهای سیاسی و اجتماعی، فرهنگ، زبان، احساسات ملی، دین، اقتصاد ملی، تخریب امنیت شخصی، آزادی، سلامتی، شأن و منزلت و حتی زندگی افراد متعلق به یک جامعه را نیز در بر بگیرد.» البته مراحل شش‌گانه بالا، همواره خطی نیستند و اغلب با یکدیگر هم‌پوشانی دارند. با این حال، از طریق این مراحل و فرایندهایی که طی آن اتفاق می‌افتد، روابط اجتماعی که در یک جامعه ساخته شده‌اند، تخریب و نابود می‌شوند. (سلیمی، ۱۳۹۷: ۳۱)

برخی دانشمندان کوشش کرده‌اند دامنه تعریف ژنوسید (نسل‌کشی) را فراتر از آنچه که در کنوانسیون حقوق بشر آمده، بیان کنند. این کنوانسیون در نشست عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۴۸، مسئله ژنوسید را مورد بحث قرار داد و با توجه به قطع‌نامه (۱) ۹۶ مورخه ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ و تأکید بر این که به موجب حقوق بین‌الملل، ژنوسید جرمی است که دنیای متمدن آن را محکوم می‌کند، از شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد خواست تا مطالعات لازم برای تهیه طرح قرارداد مربوط به ژنوسید را برعهده بگیرد. شورای مزبور در چهارمین جلسه خود، متنی مشتمل بر یک مقدمه و ۲۴ ماده تهیه کرد.



در اساس نامه دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا نیز به جرایم علیه بشریت و نیز جرم نسل‌کشی اشاره شده و عبارت کنوانسیون منع نسل‌کشی، در این زمینه مورد استفاده قرار گرفته است. (1948, onjson)

قربانی نسل‌کشی، در حقیقت تنها یک فرد انسان نیست، بلکه یک گروه انسانی مدنظر است. در نسل‌کشی به عنوان ناگوارترین و دردناک‌ترین شکل جنایت علیه بشریت، برخلاف سایر جنایات علیه بشریت، اثبات قصد ویژه نابودسازی کلی یا جزئی یک گروه ملی، قومی، نژادی و مذهبی ضروری است و همین موضوع، آن را از سایر اشکال جنایت علیه بشریت به عنوان یک جرم مستقل، تفکیک می‌کند.

بررسی تاریخی نقض حقوق مسلمانان در میانمار

تاریخ گسترش اسلام در میانمار، به قرن اول هجری بازمی‌گردد. تقریباً تا سال ۱۷۷۴م، مسلمانان این کشور، هیچ مشکلی نداشتند، اما در آن مقطع، فردی بودایی به نام «بوداپایا» به قدرت رسید و با مسلمانان بنای ناسازگاری گذاشت و اجرای قوانین اسلام را ملغی کرد. از آن زمان به بعد، اختلافات مسلمانان میانمار با دولت این کشور شروع شد. در این بین، درگیری یک فرد مسلمان با یکی از بوداییان، که به کشته شدن فرد بودایی انجامید، خشم مردم محلی و مأموران دولتی را برانگیخت و به بهانه‌ای برای افراط‌طلبان جهت حمله به روستاهای مسلمان‌نشین و آتش زدن منازل آن‌ها تبدیل شد. پس از این ماجرا، رئیس‌جمهور میانمار نیز اعلام کرد که مسلمانان، شهروند میانمار محسوب نمی‌شوند و به دنبال آن نیز، قانون حقوق شهروندی در سال ۱۹۸۲ به تصویب رسید که به واسطه این قانون، از میان ۱۴۴ قومیت موجود در میانمار، ۱۳۵ قومیت، حق شهروندی دریافت کردند و ۹ دسته از اقوام اقلیت، از حق شهروندی محروم شدند که بزرگ‌ترین این قومیت‌ها، قوم روهینگیا بود.

تصویب این قانون به اختلافات میان مسلمانان و بوداییان دامن زد و لذا دولت میانمار برای رفع اختلافات و مشکلات، سیاست کوچ اجباری کل ۶ میلیون مسلمان روهینگایی از منطقه آرکان را اتخاذ کرد. به واسطه این سیاست اتخاذ شده از جانب دولت، حدود ۱۵۰ هزار نفر از مسلمانان آرکان به بنگلادش، ۵۰ هزار نفر به تایلند، ۴۰ هزار نفر به مالزی و تعداد قابل توجهی نیز به دیگر کشورهای آسیایی مهاجرت کردند.



در دور جدید نسل‌کشی مسلمانان، ۲۰ پسر بچه مسلمان از مدرسه ربوده و پس از قطعه قطعه شدن، اجسادشان به آتش کشیده شد. موج تازه خشونت‌ها در این کشور نیز در سال ۲۰۱۷ و پس از آن آغاز شد که شورشیان روهینگایی در روز ۲۵ اوت، به چند مرکز ایست و بازرسی پلیس و پایگاه‌های ارتش این کشور حمله کردند. درگیری‌های میان طرفین از آن زمان تاکنون ادامه دارد و کشته‌های بسیاری را نیز برجای گذاشته است. (سایت Wikipedia)

جلوه‌های نسل‌کشی مسلمانان میانمار

نسل‌کشی مسلمانان میانمار در طول تاریخ، جلوه‌های مختلفی داشته است. یکی از جلوه‌های این مهم که نقطه عطفی در تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی میانمار قلمداد شده، راهبرد موسوم به استراتژی «چهارگام» است که چهار مرحله اصلی: «قطع غذا، بودجه (دارایی و پول)، اطلاعات (خبرگیری) و حمایت مردمی» را برای نابودی مردم روهینگیا در برمی‌گیرد. عملیات موسوم به «عملیات پادشاه اژدها» که در سال ۱۹۷۸ اتفاق افتاد، بخشی از این استراتژی بود. سازمان‌های غیردولتی مختلف برمه، گزارش‌هایی درباره این عملیات منتشر کردند که نشان می‌دهد نظامیان برمه به قتل غیرنظامیان، تجاوز به زنان و دختران و سوزاندن روستاها در ایالت کچین، کارن، مون و شان، اقدام کرده‌اند. (U.N. Office of the High Commissioner, Myanmar: 2017)

در تحولات پس از سال ۲۰۱۲ نیز، این رفتار تکرار شد و ارتش، پلیس و عواملان غیرنظامی مسلح در حمله به مناطق مختلف:

- الف) کل روستاها را تخریب کردند،
 - ب) تعداد زیادی از مردان، زنان و کودکان را به قتل رساندند،
 - ج) تجاوز جنسی و تجاوز به عنف ضد زنان و دختران روهینگایی را انجام دادند،
 - د) و تعداد زیادی از مردان و پسران روهینگایی را ربودند که بسیاری از آن‌ها مفقودالثر شدند.
- یک دیده‌بان رسمی سازمان ملل متحد برای نظارت بر عملیات پاک‌سازی، این وضعیت را «وضعیت بدخواهانه»، نه برای افراد مسلح، بلکه برای غیرنظامیان توصیف کرد که در آن، تنها غیرنظامیان قربانی شدند. (UN Office of the High Commissioner for Human Rights: 2017)



متأثر از این واقعیت‌ها، در فوریه سال ۲۰۱۷، دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد ادعا کرد که نیروهای میانمار به احتمال زیاد، جنایاتی ضدبشری مرتکب شده‌اند. (Gowen.2017)

کمیساریای عالی حقوق بشر نیز در سپتامبر ۲۰۱۷، وضعیت ایالت راخین را نوعی «پاک‌سازی قومی» قلمداد کرد. (U.N. Office of the High Commissioner.2017)

شواهدی که درباره اقدام ارتش میانمار علیه مسلمانان روهینگیا به دست آمده، نشان می‌دهد که حداقل سه تا چهار مرحله از مراحل شش‌گانه نسل‌کشی فیرشتاین در ایالت راخین اتفاق افتاده است.

انطباق جرایم میانمار با نسل‌کشی

برای تحقق نسل‌کشی، نیازی به انقراض کامل یک گروه نیست و هرگاه یکی از بندهای الف تا ه کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی، با عنصر روانی برای وقوع این جنایت همراه باشد، می‌توان چنین برداشت کرد که عنوان نسل‌کشی بر آن صدق می‌کند. رکن قانونی جنایات صورت گرفته در میانمار را می‌توان طبق ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۴۸ منع و مجازات نسل‌کشی، جرم‌انگاری کرد.

رکن مادی جرایم میانمار

در تبیین رکن مادی این جرم که با فعل صورت می‌پذیرد، می‌توان به بندهای الف، ب، ج، د و ه ماده ۲ کنوانسیون اشاره کرد.

در بند الف (قتل اعضای گروه)، می‌توان به قتل عام بین بیست تا پنجاه هزار نفر از مسلمانان میانمار توجه کرد.

در بند ب (ایراد صدمه جسمی یا روحی به اعضای گروه)، می‌توان به مثله شدن مسلمانان، قتل مردان و تجاوز به زنان مسلمان در انظار عمومی اشاره کرد. در بعد روانی نیز، مسلمانان میانمار در خیابان و حتی در منازل و مساجد امنیت نداشته و هر لحظه، در معرض حمله و آسیب از سوی بوداییان قرار داشتند.

در بند ج (تحمیل عمدی شرایط نامناسب به منظور نابودی کلی یا جزئی) نیز در قضیه میانمار، می‌توان این رکن مادی را آشکارا مشاهده کرد. وضعیت بد بهداشتی اردوگاه‌ها به حدی اسفبار گزارش شده که آنجا را در وضعیت وخیم و غیرانسانی قرار داده بود، آن‌چنان که افراد این اردوگاه‌ها، به اساسی‌ترین



نیازهای اولیه خود دسترسی نداشتند. این امر زمانی وخیم‌تر شد که دولت، گروه‌های اصلی امدادگر را از میانمار اخراج کرد. (تسنیم نیوز، ۱۳۹۳)

در بند د (جلوگیری از تولد در گروه)، دادگاه رواندا، اقدامات صورت گرفته در قضیه تولد و ازدواج را نیز نسل‌کشی اعلام کرد. علاوه بر این، دیوان قائل به آن بود که ممانعت از تولد، ممکن است جنبه جسمانی یا روانی داشته باشد. در میانمار نیز علاوه بر جنایات بودایی‌ها، در این اواخر، برنامه‌های بسیاری برای نابودی نسل مسلمانان توسط دولت این کشور در حال اجراست که می‌توان به قانون ممنوعیت ازدواج زنان پیش از ۲۵ سالگی و مردان تا پیش از سی سالگی اشاره کرد. افزون بر این‌ها، برای ازدواج کردن باید از اداره امنیت این کشور گواهی خاصی گرفته شود که اخذ این گواهی، با شرایط دشواری مواجه است. هدف از تمام این برنامه‌ها این است که به مسلمانان فهمانده شود که در این کشور هیچ‌گونه حقی ندارند. (تابناک، ۱۳۹۱)

رکن معنوی جرایم میانمار

در رکن معنوی باید روشن شود که مرتکب، یکی از اعمال ممنوعه را با قصد نابودی کل یا بخشی از یک گروه انجام داده که یکی از طبقات تحت حمایت، یعنی گروه ملی، مذهبی، قومی یا نژادی را شامل می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که در جنایات صورت گرفته در میانمار، سوءنیت عام (حق اراده خودآگاه مرتکب بر فعل)، سوءنیت خاص (اراده خاص مرتکب بر سلب حیات) و انگیزه (خواستار مرتکب بر نابودی تمام یا بخشی در یک گروه خاص)، کاملاً مشهود است.

نسل‌کشی و حقوق بشر

ماده ۱ کنوانسیون منع نسل‌کشی ۱۹۴۸، نسل‌کشی را چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ، ممنوع دانسته و ارتکاب آن را به عنوان یک جنایت بین‌المللی پذیرفته است. «حقوق بشر» از شهروندان در برابر مقام‌های دولتی خودشان حمایت می‌کند و «حقوق مخاصمات مسلحانه» افرادی را که در حیطه قدرت ثالثی قرار گرفته‌اند، مورد حمایت قرار می‌دهد. (اردبیلی، ۱۳۸۶: ۶۶)

برای اثبات این که نسل‌کشی به عنوان جنایت علیه حقوق بشر محسوب می‌شود، بایست جایگاه منع آن در اسناد حقوق بشری مورد توجه قرار گیرد. بنیادی‌ترین حقوق بشری که مبنای تمامی حقوق بشر



است و سایر حقوق بشر بر آن مبتنی است و در صورتی که آن نباشد، سایر حقوق بشری منتفی خواهد بود، حق حیات است. این حق، منشاء و خاستگاه سایر ارزش‌ها است، به طوری که تا انسان زنده است، آزادی مالکیت به امر او خواهد بود.

ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، به عنوان یک سند الزام آور بین‌المللی، حق حیات را از حقوق ذاتی انسان برشمرده و اعلام کرده که هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه از محور زندگی، محروم کرد. در بندهای ۲ و ۳ میثاق مذکور نیز تأکید شده که دولت‌ها می‌بایست مفاد کنوانسیون منع نسل‌کشی را رعایت کنند و انحراف از آن را مجاز ندانسته است.

نسل‌کشی یک جنایت علیه حقوق بشر است که خیانت علیه بدیهی‌ترین و بنیادی‌ترین حقوق بشری یعنی حق حیات است. به موجب اصل عدم تبعیض، دولت‌ها مکلفند از حق حیات تمام شهروندان به صورت برابر و بدون کوچک‌ترین تبعیضی از حیث نژاد، رنگ، تابعیت، مذهب، جنسیت یا سایر تعلقات عرفی افراد، پاسداری و حمایت کنند. هرگونه تبعیض و نابرابری میان شهروندان در پاسداری از حیات آن‌ها، نقض بنیادی حیات به‌شمار می‌رود. نسل‌کشی، جنایت علیه آزادی‌های مذهبی نیز محسوب می‌شود؛ لذا در صورت ارتکاب افعال مذکور در ماده ۲ کنوانسیون منع نسل‌کشی علیه یک گروه مذهبی، به حق بر آزادی مذهب، خدشه وارد شده است.

نسل‌کشی را صرفاً نباید جنایت علیه حقوق بشری چون حق حیات، آزادی مذهب و سلامت دانست، بلکه وقوع آن، اقدامی علیه حقوق بشر فردی و جمعی نیز است و باید آن را یک جنایت علیه تمامی نسل‌ها دانست. نسل‌کشی، هنگامی که در هر مقطع از تاریخ بشری در نقطه‌ای از جهان رخ دهد، صرفاً جنایت علیه حیات نبوده، بلکه یک عمل ضد صلح نیز بوده و «حق بر صلح» را که از حقوق بشری جمعی است، نقض کرده و امنیت جامعه بین‌المللی را با خدشه مواجه می‌سازد. (خداخواه، ۱۳۹۱: ۱۰۳)

در این رابطه، نقض حقوق بشر در میانمار، جلوه‌های مختلفی دارد. از یک طرف، قوانین داخلی این کشور، تبعیض‌آمیز و ناقض حقوق بشر است و از سوی دیگر، با توجه به این قوانین تبعیض‌آمیز، ارتش و نیروهای امنیتی میانمار، در عمل به نقض حقوق بشر در این کشور مبادرت ورزیده‌اند. در همین حال، دولت میانمار موازین بین‌المللی ناظر بر حقوق بشر را امضا نکرده و به راحتی نیز آن‌ها را نادیده گرفته است. (شفیعی، ۱۳۹۱: ۱۴۵)



نتیجه‌گیری

انگیزه و ماهیت خاص حاکم بر پدیده نسل‌کشی، سازمان ملل را بر آن داشت تا این پدیده را به عنوان یک جنایت مجزا در نظر بگیرد و در یک اقدام تاریخی، کنوانسیون منع و مجازات کشتار جمعی را در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۴۸ تصویب کند و از آن به عنوان آیینه تمام‌نمای وجدان عمومی بشریت در دفاع از حقانیت و موجودیت گروه‌های ملی، قومی، نژادی یا مذهبی در سراسر جهان یاد کند.

ماده ۲ کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی، ماده ۴ اساس‌نامه دادگاه یوگسلاوی سابق، ماده ۲ اساس‌نامه دادگاه رواندا و ماده ۶ اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری به عنوان رکن قانونی جرم نسل‌کشی در میانمار، به جرم انگاری مواردی از قبیل: «قتل اعضای یک گروه، ایراد صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی یا روحی اعضای گروه، قراردادن عمدی یک گروه در شرایط زندگی نامناسب به منظور زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آنان، تحمیل اقداماتی به منظور جلوگیری از تولد در گروه و انتقال اجباری کودکان از گروهی به گروه دیگر» می‌پردازد.

اما با این وجود، فاجعه‌بارتر از نسل‌کشی در میانمار، سکوت مدعیان حقوق بشر است. خبر کشتار وحشیانه مسلمانان مظلوم میانمار توسط دولت حاکم این کشور، احساسات صدها میلیون مسلمان و آزاده جهان را جریحه‌دار کرد. قطعاً این نسل‌کشی و جنایات وحشیانه در مورد مسلمانان بی‌دفاع و مظلوم میانمار، موجب بی‌آبرویی بیش از پیش سازمان‌ها و دولت‌هایی است که در راستای حفظ منافع خود، حقوق انسان‌ها را نادیده گرفته و در پنهان، برای تحقق اهداف شوم و پلید خود، کوچک‌ترین ارزشی برای جان انسان‌ها قائل نیستند. (خداخواه، ۱۳۹۸: ۹۶)

بنابراین باید تأکید داشت که نسل‌کشی، بی‌شک جنایتی علیه حقوق بشر است که باید با تضمین و تأمین حقوق بشری، از جنایاتی هم‌چون جنایت میانمار پیش‌گیری کرد و حقوق بشری مقرر در منشور سازمان ملل موظف است در قالب تأمین صلح و امنیت بین‌المللی، رویه‌ای برای فعالیت‌های پیش‌گیرانه از جرم و جنایت نسل‌کشی در سطح بین‌الملل ایجاد کند، زیرا گزارش‌ها نشان می‌دهد که دولت میانمار، راهبردهای بسیاری را برای ازمیان‌بردن هویت روهینگی استفاده کرده است. از جمله این راهبردها می‌توان به تضعیف نظام‌مند (سیستماتیک) و هدفمند قومیت روهینگی از طریق «اعمال خشونت جمعی، در انزوا قراردادن، اعمال سیاست‌های تبعیض‌آمیز و مجرمانه و بیماری و گرسنگی و...» که همگی از مراحل نسل‌کشی موردنظر فیورشتاین هستند، اشاره کرد.



منابع

۱. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۳)، «حقوق بین‌المللی کیفری»، گزیده مقالات ۱، تهران، میزان.
۲. اردبیلی، محمدعلی، حبیب‌زاده، محمدجعفر، فخرناب، حسین (۱۳۸۵)، «نسل‌کشی و ضرورت جرم‌انگاری آن در حقوق ایران»، مجله مدرس علوم انسانی، شماره ۴۷.
۳. اردبیلی، محمدعلی، «کشتار جمعی»، مجله تحقیقات حقوقی، تهران، دانشگاه شهیدبهشتی، شماره ۱۱، پاییز وزمستان.
۴. خداخواه، نسیم (۱۳۸۹)، «حقوق بشر و مواجهه با نسل‌کشی»، ماه‌نامه آفاق علوم انسانی، شماره ۲۹.
۵. سلیمی، رویا، شفیع، نوذر (۱۳۹۷)، «تبیین علل نسل‌کشی مسلمانان روهینگیا در میانمار»، دوفصل‌نامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۷، شماره ۱.
۶. سیدفاطمی، سیدمحمدقاری (۱۳۷۹)، «حق حیات»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۱ - ۳۲، پاییز و زمستان.
۷. شفیع، نوذر، سلیمی، رویا (۱۳۸۹)، «تبیین عملکرد سازمان ملل متحد در قبال نسل‌کشی در میانمار»، فصل‌نامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره اول.
۸. کاسه‌سه، آنتونیو (۱۳۸۷)، «حقوق کیفری بین‌المللی»، برگردان: حسین پیران و دیگران، چ اول، تهران، جنگل.

سایت‌ها

۱. سایت Wikipedia
۲. سایت تسنیم نیوز، شناسه خبر ۴۴۴۰۹۷، مرداد ۱۳۹۳.
۳. سایت تابناک، «هولوکاست واقعی مسلمانان در میانمار»، ۲۵ تیر ۱۳۹۱.
۴. سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۶)، «بیانات رهبر انقلاب در ابتدای جلسه درس خارج فقه درباره فجایع میانمار»، <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=37641>

منابع انگلیسی

U.N. Office of the High Commissioner For human rights (2017) report of ohchr mission to Bangladesh: interviews with rohingyas fleeing from myanmarsince 9 october 2016 february 2017 accessed on"





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی